



تقریر درس خارج اصول فقه آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام محمدعلی زحمت کش	جلسه	۳۷	تاریخ	۱۴۰۰/۰۹/۱۳
عنوان ۱	حجیت ظن				
عنوان ۲	حجیت مطلق الظن				
عنوان ۳	مطلب دوم: امتناع یا عدم امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۴	اسباب امتناع جعل حجیت برای ظن				
عنوان ۵	سبب اول: معارضه جعل حجیت برای ظن با قاعده عقلی قبح عقاب بلایان و یا حق الطاعة				
عنوان ۶	حل تعارض جعل حجیت با قاعده عقلی بنابر حق الطاعة				

مرور درس گذشته

گفته شد که سبب اول از اسباب امتناع جعل حجیت برای ظن این است که جعل حجیت برای ظن از جهتی با حکم عقل منافات دارد: بنابر حق الطاعة، جعل حجیت برای ظن در بُعد معذرت با حکم عقل تنافی خواهد داشت اما در منجزیت منافازی با حکم عقل به حق مولویت مولا ندارد؛ و جعل حجیت برای ظن بنابر قاعده قبح عقاب بلایان، در جنبه منجزیت با حکم عقل در تنافی خواهد بود؛ اما جنبه معذرت آن با حکم عقل تنافی نخواهد داشت به توضیحی که در جلسه گذشته بیان شد.

حل تعارض جعل حجیت با قاعده عقلی بنابر حق الطاعة

بنابر مبنای حق الطاعة حل مشکل چنین است که این حکم عقل به وجوب اطاعت مولا - ولو ظناً و یا احتمالاً - دارای یک قیدی است که آن تکلیف مظنون یا محتمل، در حدی از اهتمام مولا قرار داشته باشد که ما بدانیم حتی در موارد احتمال یا ظن - و به تعبیر دیگر حتی در موارد عدم علم به امر مولا نیز - مولا به تفویت آن راضی نیست؛ اما اگر بدانم امری که مولا دارد در جایی که من علم به امر نداشته باشم - یعنی احتمال و یا ظن به امر بدهم - رعایت این امر، برای خود مولا مهم نیست یعنی خود مولا اهتمامش به امرش در موارد ظن و احتمال، در حدی نیست که بگوید در این موارد نیز امر من گردن گیرتوست و من حقم را می خواهم، دیگر حق الطاعة گردن گیر نخواهد بود.

به عبارت دیگر اگر مولا خودش گفت که این حق مولویت من حقی است که از این حق در موارد احتمال و ظن گذشتم زیرا برای من این حق مولویت در این موارد به آن مقدار از اهمیتی که باید، نیست، دیگر حق الطاعة وجود گردن گیر نخواهد بود.

لسان دلیل حجیت اماره ظنیه، در آنجایی که این اماره بر ثبوت تکلیف الزامی قائم باشد، این است که آن حقی که مولا دارد، برای او مهم است حتی در مورد قیام اماره ظنیه بر آن. کار دلیل حجیت اماره در موارد قیام اماره ظنه بر عدم تکلیف (رخصت) این است که می گوید مولا در موردی که این ظن بر عدم تکلیف قائم بشود، اگر هم این ظن مخالف با واقع بود و من تکلیفی داشتم، من نسبت به آن تکلیف اهتمامی که بخواهم بگویم حتی در موارد ظن به عدم به آن باید رعایت شود، ندارم. بنابراین اماره ظنیه ای که بر عدم تکلیف قائم می شود به این معناست که مولا در چنین موردی راضی به فوات تکلیف واقعی است و مولا حق خودش در فوات آن تکلیف واقعی ای که ظن بر عدم آن قائم شده را برداشته است.

بنابراین شرط حق الطاعة مولا این است که تکلیفی که مولا دارد، برای مولا آنقدر دارای اهمیت باشد که حتی در موارد شک و ظن نیز آن تکلیف را از عبد بخواهد؛ اگر دلیلی قائم شد بر اینکه آن تکلیف مولا، در درجه ای از اهمیت نیست که مولا این حق را حتی در صورت مخالفت با آن و قیام اماره ظنیه بر آن نیز بخواهد، دیگر حق الطاعة مولا، گردن گیر عبد نخواهد شد و اگر عبد در جایی که اماره ظنیه بر عدم تکلیف قائم شده است، با امر مولوی مولا مخالفت کند، مولا نمی تواند عبد را بر مخالفت عقاب کند زیرا خودش گفته است که این حق طاعت من در این مورد، برای من لازم الرعایه نیست. بنابراین حق الطاعة زمانی گردن گیر می شود که خود مولا ترخیص در مخالفتش نداده باشد. در گذشته گفتیم که در جایی که عبد قطع به تکلیف مولا داشته باشد، رخصت از قطع معقول نیست و این رخصت هیچ گاه به عبد واصل نمی شود؛ اما اگر عبد قطع به تکلیف مولا نداشته باشد و فقط ظن یا احتمال به امر مولا داشته باشد، عقلاً مولا می تواند به عبد رخصت در مخالفت بدهد و این «می تواند رخصت بدهد» را اگر تحلیل کنیم، به اینجا می رسیم که حق الطاعة مولا، مقید به این است که بدانیم که مولا حتماً تکلیف خودش را می خواهد و اهتمام به آن تکلیف دارد؛ اما اگر بدانیم در موردی خود مولا گفته باشد که فوت این تکلیف برای من اهمیت ندارد، دیگر تکلیف گردن گیر عبد نخواهد بود. این قید، ترجمه همان حرفی است که گفتیم در موارد عدم علم به تکلیف، مولا می تواند رخصت به مخالفت بدهد.

و صلّی الله علی محمد و آله الطّاهرين